حق با شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#سطل-زباله
سادات از تهران:
در ناحیه ۳ منطقه ۸ شهرداری تهران در خیابان‌های انصاری‌فر، کریمی‌ثانی و برادران رضایی عدم شست‌وشوی سطل‌های زباله موجب شده تا بوی تعفن زباله‌ها و شیرابه‌های این سطل‌ها به‌خصوص بعد از خالی کردن آنها توسط ماشین‌های شهرداری موجب آزار و ناراحتی ساکنان و ترددکنندگان شود. به‌طوری که از چند متری کنار این سطل‌ها نمی‌شود تردد کرد، لطفا مسؤولان شهری فکری به حال این سطل‌های زباله کنند.

#پارک-دوبل
باقری از تهران:
پارک دوبل در خیابان صمدی واقع در شهرک شریعتی باعث ایجاد ترافیک می‌شود. لطفا رسیدگی شود.

#دوچرخه-اکباتان
شفیعی از تهران:
از شهردار منطقه ۵ تقاضا دارم مسیرهای دوچرخه‌سواری در محله اکباتان را که از جمعیت بالایی برخوردار است، افزایش دهد.

#ماهی-قیمت
حمیدیان از ساری:
افزایش قیمت ماهی باعث شده تا میزان ماهی در سبد خانوارها به‌شدت کاهش یابد، به طوری که از سفره بسیاری از خانوارها حذف شده است. این موضوع می‌تواند سلامت مردم را تهدید کند.

#سهام-عدالت
عادلی از تهران:
برخی سهامداران عدالت از دریافت نکردن سود مرحله دوم سهام عدالت گلایه دارند. چرا این سود واریز نمی‌شود؟ همچنین سود سهام متوفیان به چه صورتی پرداخت خواهد شد؟

#حیوان-آپارتمان
ملکی از تهران:
ساکن یکی از مجتمع‌های مسکونی در محله نارمک خیابان حمزه‌لویی هستم. متاسفانه برخی همسایگان با نگهداری حیوانات در آپارتمان باعث سلب آسایش دیگران می‌شوند.

#بو-رودخانه
جلالیان از تهران:
اهالی منطقه زرگنده به‌خصوص محدوده رودخانه خیابان راجیان و گوی‌آبادی از بوی بد این رودخانه در فصل تابستان گلایه‌مندند. لطفا شهرداری منطقه رسیدگی کند.

#نوشابه-گرانی
یک‌شهروند:
نوشابه‌های گازدار که جز ضرر عایدی‌ای برای مردم ندارند، افزایش قیمت چشمگیری داشته‌اند، به طوری که بیش از ۱۰۰ درصد نسبت به سال گذشته گران شده‌اند. بهتر است دولت با گران‌تر کردن این اجناس به کالاهای سلامت یارانه بدهد.

اهالی شهرستان قروه تلاش می‌کنند با تفکیک زباله، شرایط محیط زیست شهرشان را بهبود ببخشند

تلاش «تام» برای کمک به محیط زیست

این روزها بسیاری از شهروندان در شهرستان قروه با پویش «تام» که کوتاه‌شده «تفکیک از مبدا» زباله است همراه شده‌اند

نرگس خانعلی‌زاده
جامعه

«تام» اسم مخفف است؛ مخففی از عبارت «تفکیک از مبدا» که این روزها حکم اسم رمز درباره زباله‌های خانگی اهالی شهرستان قروه را پیدا کرده است؛ مردمانی که از گله‌مندی جریان داشتن شیرابه زباله‌ها در آب مصرفی‌شان به تفکیک زباله روی آورده‌اند اما در این مسیر، درهای دیگری برای ارتقای کیفیت شهر و محله‌شان هم به رویشان باز شده است. در این میان، سیدمجتبی حسینی‌نسب یکی از اعضای کانون فرهنگی تبلیغی قروه، سررشته این پویش را به‌دست گرفته و مصمم است در آینده‌ای نزدیک اهالی قروه را به تمایل صددرصدی به تفکیک زباله برساند؛ اتفاقی که اگر رخ بدهد، نه‌تنها مشکلات حوزه پسماند و سلامت آب بلکه بسیاری از مشکلات محلات مختلف این شهرستان حل خواهد شد.

«خدا می‌گوید من باران می‌فرستم، تو برو دنبال کارهای تبلیغی و فرهنگ‌سازی.» این را مجتبی حسینی‌نسب می‌گوید که روی زمینی در شهرشان کشاورزی می‌کند اما به قول خودش امیدش به رحمت خداست که به وقتش کاشته‌هایش را درو می‌کند؛ برای همین هم بیشتر از این که بر سر زمینش باشد در بین محلات مختلف رفت‌وآمد دارد تا اوضاع تفکیک زباله را سر و سامان بدهد. جریانی که از اولین روز ماه مبارک رمضان شروع شده و امروز و در نیمه‌های تابستان به نتایج خوبی رسیده است.

زمزمه‌هایش از نیمه‌های بهار شروع شد؛ زمانی که اعضای تشکلی مردم‌نهاد به محلات بالا و پایین شهرستان قروه کردستان رفتند و از دغدغه‌ها و مشکلات اهالی محل پرسیدند اما نتیجه چه شد؟ «طبق تجربه‌ای که از مدت‌ها قبل با آن مواجه‌شده بودیم به این نتیجه رسیدیم که انباشت غیراصولی و غیرکارشناسی زباله در منطقه‌ای نزدیک به محل زندگی ساکنان شهر، باعث راه افتادن شیرابه‌ای شده که سلامت و آرامش مردم و بعد از آن محیط‌زیست را به خطر انداخته است.» موضوعی که کارشناسان محیط‌زیست منطقه هم آن را تایید کردند و وجود ذرات و مواد مختلف در آب را ناشی از آلودگی زباله‌ها دانستند: «آلوده‌شدن آب شربی که برای مزارع مردم هم استفاده می‌شود.» زباله‌هایی که در میان دو کوه و در مسیر اصلی آب شرب مردم تلنبار می‌شوند؛ موضوعی که به چشم مردم شهر آمده است: «برای خودمان هم جالب بود که بیشتر از ۶۰درصد از اهالی محل نگران این زباله‌ها بودند اما چاره‌ای برایش نداشتند.» همین تلنگری برای تشکیل اتاق فکری شد که حالا باید چه‌کار کرد؟ تلنگری که به راه افتادن پویش تام در بین مردم محل منجر شد: «تفکیک از مبدا یا همان تام به جریان و پویشی تبدیل شد که در شهر به راه افتاد.» اما همه اهالی شهر از بزرگ و کوچک چطور با این پویش همراه شدند؟ حسینی‌نسب می‌گوید ما فقط یک پویش را مطرح کردیم اما این مردم بودند که دیگر آن را رها نکردند: « این‌طور که خبر آلودگی آب و راه چاره آن به وسیله تفکیک زباله را خودشان دهان‌به‌دهان و خانواده‌به‌خانواده چرخاندند و انعکاسش دادند.»

قدم اول: آموزش

اما تفکیک زباله در شهرستانی که پیش از آن حرفی از این اقدام تا به حال زده نشده بود، چطور اتفاق می‌افتد؟ روندی که حسینی‌نسب از قدم‌به‌قدم آن می‌گوید: «برای اولین قدم سراغ زباله‌های خانه‌ها رفتیم و دیدیم که زباله برخی از خانه‌ها تا ۷۰ درصد، قابل بازیافت است.» ۷۰ درصدی که اگر از زباله‌های تر جدا و بازیافت شود می‌تواند قدم بزرگی در کم‌کردن شیرابه‌ها و از آن مهم‌تر، نجات محیط‌زیست باشد. حالا راه‌حل مساله پیدا شده بود اما چطور اجرا کردنش هم به اندازه یافتن راه‌حل آن اهمیت داشت. «حالا این تفکیک از مبدا که می‌گویید یعنی چه؟»

این سوال بسیاری از اهالی محل بود که با واژه تفکیک غریبه بودند؛ موضوعی که باعث برگزاری کلاس‌های آموزشی در کانون شد: «در واقع ما برای پیشبرد این طرح، به دو مساله نیاز داشتیم؛ یکی آموزش و دیگری انگیزه.» آموزشی که به‌صورت کوتاه، مختصر اما مفید در کانون برگزار شد و اهالی محل به کلاس آموزشی تفکیک زباله دعوت شدند: «اینجا قرار است تفکیک و تشخیص زباله یاد بگیرید.» کلاسی که احتمالا با دیگر کلاس‌های آموزشی کمی متفاوت است اما یک‌بار آن را یاد می‌گیرند و بعد برای همیشه اجرایش می‌کنند: «در این میان، نماینده‌هایی هم انتخاب کردیم که همین آموزش‌های بیان‌شده در کلاس را به دیگر افراد محله و کسانی که در کلاس حضور ندارند هم برسانند.» اتفاقی که باعث شد ارتباط بین هم‌محلی‌ها گسترش پیدا کند. جریانی که در دنیای مدرن امروز و در بین افراد یک محل کم می‌افتد اما در محلات قروه چرخید و چرخید: «اگر هم لازم بود، خودمان به محلات مختلف سر می‌زدیم و با طی فراخوانی، آنها را دعوت به آموزشی یکی دو ساعته برای تفکیک از مبدا می‌کردیم.» آموزشی که در نهایت سبب کاهش تولید زباله خواهد شد.

قدم دوم: فایده‌اش چیست؟

اما دردسر تفکیک زباله در خانه باعث ایجاد سوالی در ذهن اهالی می‌شود: «اصلا این تفکیک‌کردن چه سودی به حال ما دارد؟» واقعیت این است توضیح مسائل زیست‌محیطی برای برخی از افراد که نگاهی متفاوت به زندگی دارند، موفقیت‌آمیز و نتیجه‌بخش نیست؛ کسانی که فکر می‌کنند روند طبیعی این است که آنها زباله تولید کنند، شهرداری آنها را جمع‌آوری کند و باقی‌اش هم دیگر مهم نیست: «اما فارغ از توضیح مسائل محیط‌زیستی، توضیح‌دادن درباره کسب درآمدی هرچند ناچیز از جمع‌آوری زباله‌های بازیافتی، باعث ایجاد انگیزه در افرادی شد که چنینی تفکری داشتند.» به این صورت که حسینی‌نسب و همکارانش، زباله‌های جمع‌آوری‌شده مردم را به مراکز مختلف چرخه بازیافت می‌فرستند و در ازای وزن آن، مبلغی دریافت می‌کنند؛ یعنی در ازای دادن وزن مشخصی از سبدهای فرسوده به کارگاه‌های آسیاب، مبلغی دریافت کنند: «در واقع ما به مردم پیشنهاد دادیم زباله‌هایتان را به ما بفروشید.» البته چون سرمایه‌ای در اختیار نداشتند، این قول را دادند که اول زباله‌ها را بگیرند، تحویل مراکز بازیافت بدهند و زمانی که پول فروشش را گرفتند، درآمد حاصل از تفکیک زباله مردم را به آنها برگردانند: «انصافا هم تقریبا همه مردم قبول کردند.»

در این میان کار تام به بستر دیجیتال هم رسید. دسترسی اهالی به اینترنت و در اختیار داشتن ابزار پیام‌رسانی که همه از آن استفاده کنند به ترغیب بیشتر همه اعضای خانواده در این پویش منجر شد؛ حتی بچه‌ها: «بعضی وقت‌ها اسباب‌بازی‌ها و عروسک‌های ساده‌ای را در گروه منتشر می‌کنیم و از کودکان خانواده می‌خواهیم اسباب‌بازی‌های شکسته و خرابی را که می‌خواهند دور بیندازند به ما تحویل بدهند و وسیله‌ای نو هدیه بگیرند.»

در این انگیزه‌سازی، پای دیگر سازمان‌های حمایت‌کننده هم به میان آمد؛ آنقدر که اعضای کانون با ارائه تصاویر انباشت غیراصولی زباله‌ها، آب آلوده‌ای که جاری‌شده، پوشش گیاهی منطقه که بر هم خورده و زباله‌هایی که بدون فکر و در فاصله‌ای نزدیک به محل سکونت مردم روی هم انباشته شده به سازمان منابع‌طبیعی از آنها تقاضای کمک کردند: «عکس‌ها را نشان‌شان دادیم و گفتیم اگر بخواهیم این کار را بکنیم چه کمکی به ما می‌کنید؟» درخواستی که با پاسخ خوبی روبه‌رو شد: «آنها گفتند به ازای هر پنج کیلو کاغذی که از مردم بخرید و بفروشید و پولش را به مردم بدهید، من یک نهال به شما می‌دهم تا به آن خانواده بدهید.» وعده‌ای که به خوبی هم عملی شد و شوق دریافت نهال و کاشت آن در حیاط خانه، جوان‌ها و نوجوان‌های خانواده را به جمع‌کردن کاغذهای باطله‌شان ترغیب کرد.

محله ایده‌آل

اما این همه ماجرا نبود. انگار که درآمد حاصل از تفکیک زباله، برای عده‌ای از مردم انگیزه‌ای برای تفکیک بود و برای عده‌ای دیگر راهی برای نشان‌دادن بخشندگی‌شان: «به این‌صورت که عده‌ای از افراد به میل خودشان، بخشی از درآمد حاصل از تفکیک زباله‌شان را می‌بخشیدند.» و این مبلغ به محل صندوقی در همین کانون می‌رفت که در وقت نیاز برای مخارج محله یا اهالی محله که به آن نیاز دارند برسد. حالا اعضا و دنبال‌کننده‌های پویش تام به یک شبکه همه‌گیر در سطح شهر تبدیل شده‌اند؛ شبکه‌ای که به‌واسطه درآمد حاصل از تفکیک زباله‌هایشان برای تازه‌عروسان خانواده‌های نیازمند، جهیزیه می‌خرند، بسته معیشتی پخش می‌کنند و بدهی بدهکاران را می‌پردازند: «در واقع به موازات ترویج این پویش، دور هم جمع شدیم و مشکلات محله را بررسی کردیم؛ مشکلاتی که به‌واسطه سهم‌های خیلی کمی از درآمد هرکدام از خانواده‌ها از تفکیک زباله‌هایشان، می‌تواند حل شود.» حالا نایلون و پلاستیک و چوب و کاغذ در بین مردم ارزش پیدا کرده؛ آنقدر که همسایه، پلاستیک بیرون انداخته‌شده همسایه را جمع می‌کند. زباله‌هایی که تنها چیزی که در آنها اهمیت ندارد کثیفی یا تمیزی‌اش است: «مهم این است که جنس آن زباله قابل بازیافت است و ما باید آن را به‌دست بازیافت‌کنندگان برسانیم تا یک تیر و چند نشان بزنیم.» زباله‌هایی که در حالت عادی، ماهانه ۳۰کامیون برای جمع‌کردن آنها در یک محل لازم بود اما پویش تام کاری کرد که تعداد رفت‌وآمد این کامیون‌ها در ماه دوم به ۲۰ و در ماه سوم به ۱۸کامیون برسد: «البته باز هم جا دارد از این تعداد کمتر شود.» اتفاقی که اگر رخ بدهد، درآمد حاصل از تفکیک زباله و بازیافت آنها بیشتر و صندوق محل پربارتر خواهد شد. «فکر می‌کنم اگر ما هم پی این پویش را نگیریم، اهالی شهر دیگر دست از آن برنمی‌دارند.» این را حسینی‌نسب می‌گوید که تعامل اجتماعی مردم در جریان این پویش به‌خصوص خانم‌ها را دیده است: «در روزهایی که شیوع ویروس کرونا باعث شد اهالی شهر از هم دوری کنند و ارتباط‌شان با همدیگر کم یا حتی قطع شود، این جریان توانست روی خوش تعاملات اجتماعی را دوباره به آنها نشان دهد.» این که برای هدفی که باعث بهبود کیفیت زندگی‌شان می‌شود تلاش کنند و نتایجش را ببینند: «سر و سامان گرفتن وضعیت برخی خانواده‌های نیازمندان، کسب درآمدی هرچند کم از انجام یک فعالیت محیط‌زیستی، تعامل بزرگان محل برای حل مشکلات منطقه و از همه مهم‌تر، تاثیراتی مثبت بر محیط‌زیست و سلامت شهر که در طولانی‌مدت خودش را نشان خواهد داد.»

تلاش برای ایجاد امید

آدم‌هایی که دست روی دست نگذاشته‌اند و برای حال خوب عده‌ای از هم‌محله‌ای و همشهری‌هایشان تلاش می‌کنند هنوز هم کم نیستند؛ مجید قنواتی یکی از آنهاست که با فعالیت‌های خیرخواهانه در شهرستان رامهرمز برای بهبود اوضاع زندگی اهالی این شهرستان تلاش می‌کند. هدفی که برای رسیدن به آن از هیچ کوششی دریغ نکرده است. وی می‌گوید از اولین روزهای شیوع ویروس کرونا فعالیت‌هایش را شروع کرده است: «برای این کار باید فکری اساسی می‌کردیم و با عده‌ای دیگر از دوستان در رامهرمز، قرارگاه جهادی امام‌رضا را برقرار کردیم.» قرارگاهی که همان‌طور که از اسمش معلوم است باید قرار بی‌قراران باشد: «قرارگاهی کاملا مردمی که در اولین روزهایش کاهش شیوع کرونا در این شهرستان را هدف قرار دادیم؛ ضدعفونی‌کردن معابر، ساخت تونل سلامت، تولید ماسک و توزیع بسته‌های معیشتی از اولین اقداماتی بود که برای مقابله با این بحران، در پیش گرفتیم.» اما همین که پای‌شان به مسیرهای خدمت‌رسانی و فعالیت‌های جهادی باز شد به ضعف‌های دیگر شهر و محله‌شان آگاه شده و سعی کردند قدم‌های بزرگ‌تری بردارند: «راستش را بخواهید از گوشه و کنار خبردار شدیم که با توجه به شرایط سخت زندگی برای اهالی رامهرمز، امید به زندگی در بین شهروندان پایین آمده است. موضوعی که سعی کردیم با آن واقع‌بینانه برخورد کنیم و خواستیم دست از پنهان‌کاری برداریم و به دنبال راه چاره باشیم.» اتفاقی که افتاد و اعضای گروه با شناسایی افرادی که دچار این حالت شده بودند، سعی کردند گره از مشکلات آنها باز کنند. قنواتی دراین‌باره ادامه می‌دهد: «در واقع سختی زندگی و گذران معیشتی باعث اتفاق‌های ناخوشایندی در بین مردم شده بود.»

اتفاقی که مجید قنواتی به همراه دیگر اعضای قرارگاه و مشاوران و کارشناسان به آن ورود و نقطه‌ضعف هرکدام را پیدا کردند. برای نمونه آنها با تهیه نوشت‌افزار و گوشی‌های هوشمند مشکلات دانش‌آموزانی را که از تحصیل جامانده بودند برطرف کردند؛ اتفاقی که شاید به ظاهر ساده بیاید اما می‌تواند احساس ناخوشایند یک دانش‌آموز را کم و امید را در دلش زنده کند.

قنواتی از خانواده‌هایی می‌گوید که زندگی در تک‌اتاق‌هایی کوچک، بدون وسایل اولیه زندگی امید را از دلش برده است: «نمی‌گوییم حالا همه‌چیز برقرار شده اما قصدمان این بود که خانه‌به‌خانه و خانواده‌به‌خانواده بگردیم و نیازها را شناسایی و رفع کنیم؛ اتفاقی که می‌تواند امید را در دل برخی دوباره زنده کند.»